

## واکاوی معنای «رَجُلٌ مَطْلُوبٌ» در حدیث عنوان بصری

علی حسن نیا<sup>۱</sup>  
محسن خاتمی<sup>۲</sup>

### چکیده

وجود کنایات، اشارات، تعریض‌ها، عبارات دشوار و واژگان غریب در متون روایی رسیده از معصومین (ع)، موجب شده تا کار ترجمه و فهم معنای دقیق روایات دشوار به نظر رسد. توجه به رویدادهای تاریخی و معنای نخستین واژه‌ها در زمان صدور روایات و نیز در نظر گرفتن فضا و سبب صدور احادیث و سیاق عبارات، موجب فهم صحیح گزارش‌ها و روایات صادره از معصومان (ع) خواهد بود. عبارت «إِنِّي رَجُلٌ مَطْلُوبٌ»، که در حدیث «عنوان بصری» از سوی امام صادق (ع) به کار برده شده، از جمله تعریض‌هایی است، که افزون بر این، در بسیاری دیگر از متون روایی، تفسیری، ادبی و تاریخی شیعه و سنی نیز دیده می‌شود. مطالعات فقه‌الحدیثی در قرائن درون و برون‌متنی و بهره‌گیری از روش معناشناسی واژگان نشان از آن دارد که از میان احتمالات گوناگون در معنای این تعریض، تنها یک احتمال پذیرفتنی است: «تحت تعقیب یا نظر دستگاه حکومتی». نوشتار حاضر بر آن است تا با به کارگیری روش‌های فقه‌الحدیثی، توجه به رابطه هم‌نشینی واژگان و کار بست آن در دوره حضور و نیز در متون متقدم و متأخر، معنای صحیح این تعریض را از لسان اهل بیت (ع) واکاوی کرده، به ارزیابی و نقد احتمالات مطرح شده پردازد.

### کلیدواژه‌ها

رابطه هم‌نشینی، رجل مطلوب، عنوان بصری، قرائن درون‌متنی، قرائن برون‌متنی.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول). a.hasannia@shahed.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم و فنون قرآن تهران  
mohsenkhatami76@gmail.com

## ۱. طرح مسأله

حدیث در کنار قرآن کریم، اولین منبع تشریح احکام و شرایع دین مبین اسلام، پایه و اساس علوم اسلامی و گنجینه بزرگ اعتقادی، اخلاقی، هویتی و فرهنگی مسلمانان شناخته می‌شود. در این میان، روایات رسیده از ائمه معصومین (ع) به عنوان مهم‌ترین منبع دریافت علوم و معارف شیعی، برای تمامی شیعیان و راهپویان ایشان، لازم اعتنا و توجه است. ائمه شیعه تلاش کرده‌اند تا مفاهیم و معارف لازم را به طرق گوناگون به اصحاب منتقل کنند و البته همواره گوشزد می‌کرده‌اند، که به استماع و نقل صرف روایات بسنده نکنند، بلکه همت بلیغ دارند تا در فهم معانی، اشارات، کنایات، تعریض‌ها و مدلول‌های کلام ایشان تأمل و تدبر داشته باشند؛ شیخ صدوق به سند خود از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمودند: «أَنْتُمْ أَفْقَهُ النَّاسِ إِذَا عَرَفْتُمْ مَعَانِيَ كَلَامِنَا»: «شما فقیه‌ترین مردمانید اگر معانی کلام ما را بشناسید» (صدوق، ۱۴۰۳ق، ۱).<sup>۱</sup> در حقیقت، کشف معانی کلام امام به عنوان یک شاخصه و ضرورت مهم برای هر مسلمان شمرده شده است و ائمه (ع) از نقل بدون فهم روایات برحذر می‌داشته‌اند، تا آنجا که اندازه و قدر شیعیان را به میزان فهم و درایت آنان از روایات سنجیده‌اند (نک: همان). این احتیاط در شیوه و گفتار امامان (ع) به وفور مشاهده می‌شود؛ برای نمونه، عبید السلمانی هشدار امام علی (ع) را در این زمینه چنین نقل می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ! اتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُفْتُوا بِمَا لَا تَعْلَمُونَ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَدْ قَالَ قَوْلًا وَأُمَّتُهُ وَضَعَ [آلَ مِنْهُ] (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۲۹۵) إِلَى غَيْرِهِ وَقَالَ قَوْلًا وَضَعَ عَلَى غَيْرِ مَوْضِعِهِ، كَذَبَ عَلَيْهِ...» (صفار، ۱۴۰۴ق، ۱۹۶): «ای مردم! از خدا پروا کنید و نادانسته برای مردم، فتوا مدهید که پیامبر خدا (ص) سخن می‌گفت و امتش آن را در غیر از آن چه مقصود او بود به کار می‌بردند و سخنانی گفت که در غیر معنای آن معنا می‌کردند، بر او دروغ بسته‌اند!...».

بخش قابل توجهی از متون روایی شیعه، در بردارنده احادیث اخلاقی است و در این راستا اهمیتی که ائمه (ع) در تربیت شاگردان داشته‌اند،<sup>۱</sup> این روایت همچنین پیش از شیخ صدوق در بصائر الدرجات (صفار، ۱۴۰۴ق، ۳۲۹) با اختلاف اندک آمده است.

درخور تأمل و توجه است. معصومین (ع) می‌کوشیدند تا با بیان احادیث اخلاقی در کنار مباحث فقهی و کلامی، اصحاب خود را در جمیع جهات تربیت کرده، معارف الهی را تا حدّ امکان برایشان بازگو سازند. این دسته از بیانات برای اصحاب و پیروان ایشان در رسیدن به حقیقت بندگی و درک مقام خلیفه‌اللهی انسان راهگشا بوده‌است. در میان احادیث اخلاقی، یکی از این روایات که هم از جنبه اخلاقی و هم از جنبه معرفتی، می‌تواند به عنوان یک دستورالعمل در زندگی هر انسانی، به ویژه شیعیان، راهگشا و کارساز باشد، گزارشی است با عنوان «حدیث عنوان بصری».

این حدیث را اول بار طبرسی (م ۶۰۰ق) نقل می‌کند (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ۳۲۵-۳۲۸) و افزون بر این، علامه مجلسی نیز آن را به خط شیخ بهایی یافته و نقل کرده‌است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۲۲۴-۲۲۶). ظاهراً تا پیش از قرن هفتم، اثری از نقل این روایت در کتب و منابع شیعه و سنی دیده نمی‌شود و علمای شیعی نیز به جز این دو مصدر، به مورد دیگری اشاره نکرده‌اند؛ برای نمونه، شهید ثانی در باب اول از کتاب خود (باب آداب معلّم و متعلّم) به این حدیث اشاره کوتاهی داشته‌است (شهید ثانی، ۱۴۰۹ق، ۱۴۶) و شیخ حرّ عاملی به همان سند طبرسی آن را نقل می‌کند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۷: ۱۷۲). درباره شخصیت عنوان نیز، طبق بررسی‌های صورت گرفته، در هیچ‌کدام از مصادر رجالی شیعه و سنی اثری از نام وی دیده نمی‌شود و ظاهراً تنها از همان قرن هفتم و توسط طبرسی است که نام وی به توسط همین روایت در منابع بعدی دیده می‌شود. تنها ملامحسن امین، که این روایت را در فصل وصایای امام صادق (ع) از شهید ثانی می‌آورد، به نقل از کتاب الاثنی عشریة فی المواعظ العدیة می‌نویسد: «وی از روات اهل سنت بوده است!» (امین، ۱۴۰۳ق، ۱: ۶۷۵).

جدای از شخصیت راوی حدیث و مجهول بودن وی، آنچه در اینجا اهمیت دارد، مضمون عالی آن است، و از این روست که علمای بسیاری به یادگیری و خواندن آن سفارش نموده‌اند (برای دیدن نمونه این توصیه‌ها، نک: حسینی، ۱۳۹۱ش، ۱۷۶ و حسینی، ۱۴۲۷ق، ۱۸۶)؛ توضیح اینکه، از شیوه‌های ۱. برخی معتقدند کتاب‌هایی در شرح این روایت نوشته شده‌اند، اما نه با عنوان «شرح

نقد حدیث، نقد درون‌متنی یا محتوایی آن می‌باشد؛ این معیارها موارد گوناگونی را شامل می‌شود، که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان، قرآن، سنت، مسلمات اعتقادی، تاریخ معتبر، عقل، حس و علم دانست (نک: مسعودی، ۱۳۹۴ ش، ۲۳۰؛ بستانی، ۱۳۸۶، فصل چهارم). برای نمونه، شیخ طوسی در عده‌الأصول، چهار چیز را نشانه صحّت متن و مضمون حدیث می‌داند: موافقت با ادله عقلی، مطابقت با کتاب خدا، موافقت با سنت قطعی و اجماع. چنان‌که محققان دیگر، برای تشخیص حدیث جعلی، علائمی چون: خالی از مبالغه‌های غیر معقول بودن، موافقت با مسلمات تاریخ و عدم مخالفت با مقصود شارع را نیز افزوده‌اند (ایزدپناه، ۱۳۷۶ ش، ۸؛ نیز نک: باقری و معارف، ۱۳۹۱ ش؛ فتح‌اللهی، ۱۳۹۵ ش). روایت عنوان بصری از آن دست روایاتی است که محتوای آن با هیچ‌کدام از معیارهای نقد حدیث، مخالف نیست، و از این رو می‌توان دست‌کم، حکم بر صحت مضمونی آن داد (برای تفصیل نک: حسینی، ۱۴۲۷ ق، ۱۸۶-۱۸۸ و نیز نک: نابلسی، ۱۳۹۴ ش).

خلاصه روایت این است که: روزی عنوان بصری که پیرمردی نود و چهارساله بود و پیوسته با مالک‌بن انس (م. ۱۷۹ق) رفت و آمد داشت، به حضور امام صادق (ع) رسید. اما امام (ع) با دست رد زدن به سینه عنوان، به وی فرمود: «إِنِّي رَجُلٌ مَطْلُوبٌ وَمَعَ ذَلِكَ لِي أَوْلَادٌ فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ آتَاءِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فَلَا تَشْغَلْنِي عَنْ وَرْدِي فَخُذْ عَن مَالِكَ...»: «من مردی مطلوب هستم و در هر ساعت از شب و روز وردهایی (اذکاری) دارم. لذا من را از ورودم باز مدار و برو از مالک [سؤال] را پیرس...» (طبرسی، ۱۳۸۵ ق، ۳۲۶). عنوان که دل‌شکسته بود، به رغم توصیه امام (ع) مبنی بر اینکه بهتر است برای یادگیری پیش همان مالک برود، روز دیگر نیز پیش امام (ع) رسید، در حالیکه از خداوند خواسته بود تا دل جعفر الصادق (ع) را نسبت به وی متمایل و مهربان کند و در آن لحظه بود که امام (ع) توصیه‌هایی را در باب سیر و سلوک الهی به وی ارائه کردند.

از مجموعه عبارات به کار برده شده در این روایت، عبارت «إِنِّي رَجُلٌ

روایت عنوان بصری؛ مانند: کتاب‌های احياء الإحياء (از فیض کاشانی، مشهور به المَحَجَّةُ الْبَيْضَاءُ)، جامع السعادات (از حاج ملا مهدی نراقی) و عده‌الداعی، که چیزی غیر از شرح آن نیستند (حسینی، ۱۴۲۷ ق، ۱۸۶).

مَطْلُوب» از آن دست عباراتی است که درک معنا و مفهوم دقیق آن نیازمند بررسی و مطالعه است؛ از یک سو علما و محدثان شیعی و نیز محققان حدیثی معاصر در ترجمه این عبارت دچار اختلاف و تردید شده، و از سوی دیگر برخی در درک معنای سخن امام (ع) ترجمه‌های نادرستی را ارائه کرده‌اند، که به دلایل گوناگون پذیرفتنی نیستند. با بررسی و مطالعه متون روایی در کنار متون تفسیری، ادبی و تاریخی می‌توان دریافت که کاربرد واژه مطلوب، علاوه بر امام صادق (ع)، مصادیق دیگری نیز داشته است، که با توجه به کاربرد اغلب این مصادیق در عصر حضور ائمه (ع)، یک معنا برای عبارت «رَجُلٌ مَطْلُوبٌ» به دست می‌آید. این مصادیق، شامل هر دو گروه منابع شیعی و سنی می‌شوند، که با ادله گوناگون می‌توان به مفهومی مشترک در عبارت مذکور در بین تمام مصادیق و کاربرد یک معنا در آن زمان دست یافت. افزون بر این، تأکید امام (ع) بر وجود تعریض‌ها<sup>۱</sup> در سخنانشان و احتمال برداشت‌های گوناگون تا هفتاد وجه در روایات (صدوق، ۱۴۰۳ق، ۲)، اهمیت درک این تعریض را بیشتر می‌کند و ملاحظه خواهد شد که تعریض به کار برده شده در این عبارت در شناخت و فهم متون مشابه نیز کاربرد خواهد داشت. لازم به ذکر که، گرچه در برخی از متون تحقیقی متأخر و معاصر ترجمه‌هایی از این عبارت تعریض‌گونه ارائه شده است، اما تا کنون هیچ کار مشابه تحقیقی و فقه‌الحدیثی درباره آن صورت نگرفته و عمده مطالعات انجام شده صرفاً به ترجمه حدیث عنوان بصری بسنده کرده‌اند.

مجموعه دلایل پیش‌گفته، سبب شد تا در مجموعه متون رسیده از دوره حضور، کاوش جدی شود و با بررسی و ارزیابی قرائن درون‌متنی و برون‌متنی مرتبط با این عبارت و نیز بهره‌مندی از رابطه همنشینی واژگان در روش معناشناسی و برخی قرائن دیگر، معنای دقیق و صحیح عبارت از میان ترجمه‌های گوناگون و مصادیق متعدد استخراج شود. به عبارت دیگر، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که «با توجه به اختلاف و تردید در احتمالات معنایی عبارت «رَجُلٌ مَطْلُوبٌ» در بین محققان و محدثان و نیز وجود مصادیق

۱. تعریض به معنای سخن سر بسته، چندپهلوی، کنایه آمیز و نیز گوشه زدن است و در کلام معصومان (ع) برای توریه به کار رفته است (مسعودی، ۱۳۹۵ش، ۱۱، پانوشت ۲).

متعدد آن در دوره حضور، معنای مشترک و درست آن چیست و امام صادق (ع) از کاربرد این عبارت تعریض‌گونه، چه مقصودی داشته‌اند؟ شیوه به کار برده شده بر اساس تحلیل استنادی و متنی در مجموعه متون حدیثی و تاریخی شیعه و سنی، به ویژه متون اولیه در دوره حضور، و نیز به کارگیری روش‌ها و ابزار فقه‌الحدیثی برای کشف معنا و مراد معصوم (ع) می‌باشد.

## ۲. احتمالات در معنای «رَجُلٌ مَطْلُوبٌ»

پیش از بررسی متن حدیث عنوان بصری و ذکر قرائن، نیاز است تا احتمالات معنایی مطرح شده برای «رَجُلٌ مَطْلُوبٌ» ذکر شوند؛ مجموعه ترجمه‌ها و نیز تعلیق‌های ذکر شده در ذیل این حدیث، سه احتمال را متصورند:

الف) «طلب شده از جانب خداوند برای انجام اعمال و عبادت». این احتمال بین محدثان و محققان شایع نبوده، ظاهراً تنها توسط حسن امین، ذکر گردیده و یکی از دو احتمالی است که ایشان مطرح نموده‌اند: «رَجُلٌ مَطْلُوبٌ أَيْ مَطْلُوبٌ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِأَعْمَالٍ وَ عِبَادَةٍ» (امین، ۱۴۰۳ق، ۱: ۶۷۵). بعید نیست که وی با توجه به حدیثی از امام سجاد (ع) که فرمودند: «أَصْبَحْتُ مَطْلُوباً بِثَمَانٍ: اللَّهُ (تعالی) يَطْلُبُنِي بِالْفَرَائِضِ...» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۶۴۱): «من به هشت چیز مورد طلب قرار گرفتم: خداوند از من انجام فرائض را می‌خواهد...»، این نظر را مطرح نموده باشند (احتمال دوم ایشان در ادامه ذکر خواهد شد).

ب) منظور این است که امام می‌فرماید: «کار و زندگی دارم»، «محل مراجعه مردم و گرفتار هستم» و «ارباب رجوع زیاد دارم». این احتمال از محققان معاصر بسیار به کار برده شده و فراگیری آن نسبتاً زیاد است؛ احتمالی که در کتب داستان راستان (مطهری، ۱۳۹۱ش، ۱: ۲۷۲)، گفتار معصومین (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸ش، ۲: ۱۸۴)، علم و حکمت در قرآن و حدیث (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۲ش، ۱: ۳۷۹)، ترجمه میزان الحکمة (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹ش، ۸: ۶۵)، تقسیمات قرآنی و سور مکی و مدنی (مستفید و دولتی، ۱۳۸۴ش، ۲۰) و برخی دیگر مطرح شده است.

ج) منظور این است که امام می‌فرماید: «تحت تعقیب و تحت نظر حکومت

هستم» و «دستگاه حکومتی در پی من و مراقب من است». این احتمال نیز همچون احتمال دوم فراگیری آن بسیار است؛ احتمالی که محقق اعیان الشیعه به عنوان احتمال دوم خود (امین، ۱۴۰۳ق، ۱: ۶۷۵)، همچنین در کتب روح مجرد (حسینی، ۱۴۲۷ق، ۱۷۸)، عنوان بصری (حسینی، ۱۳۹۱ش، ۱: ۶۲)، ترجمه مشکاة الانوار (عطاردی، بی تا، ۳۰۶)، حدیث خوانی روشمند (غلامعلی، ۱۳۹۰ش، ۱۵۰)، و برخی دیگر در شروح و ترجمه حدیث عنوان بصری مطرح نموده‌اند.

### ۳. ارزیابی احتمالات و واکاوی معنا با توجه به قرائن

به منظور روشن شدن معنای دقیق «رَجُلٌ مَطْلُوبٌ» و ارزیابی و نقد احتمالات، سه نوع از قرائن درون‌متنی، قرائن برون‌متنی و روابط هم‌نشینی واژگان، مورد مطالعه قرار می‌گیرند:

#### ۳-۱. قرائن درون‌متنی

مهم‌ترین قرائن موجود در حدیث، توجه به «فضا و سبب صدور حدیث» و «سیاق عبارات» است؛

#### ۳-۱-۱. فضای صدور حدیث

با توجه به متن حدیث می‌توان دریافت که عنوان بصری تا ۹۴ سالگی امام و یا دست‌کم جایگاه علمی و معنوی امام را نمی‌شناخته است. وی شاگرد مالک بن انس، یکی از ائمه چهارگانه فقه اهل سنت، بوده و با توجه به شناخت امام از مذهب عنوان، عبارت «إِنِّي رَجُلٌ مَطْلُوبٌ» در معنای «تحت نظر حکومت هشتم و جاسوسان دستگاه حکومتی مرا زیر نظر دارند»، نسبت به ترجمه گروه اول و دوم سازگارتر و محتمل‌تر می‌باشد؛ زیرا، اولاً: محدودیت‌هایی که حکومت بر امام صادق (ع) تحمیل کرده بود، اقتضا می‌کرد تا ایشان نسبت به عنوان حساس بوده، چنین سخنی را به زبان آورند. ایشان در دوران حیات خود نه تنها تمام جوانب احتیاط را نسبت به خود مراعات می‌کردند، بلکه به شیعیان نیز توصیه می‌کردند تا با احتیاط زندگی کرده،

شیعه بودن خود را بر عامّه و دستگاه حکومتی بنی العباس آشکار نساژند.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر، امامان (ع) با به کار بردن شیوه تقیه و توریه، تلاش می‌کردند تا از کیان و موجودیت تشیع در آن دوران محافظت کنند و این روش به عنوان یکی از کارآمدترین روش‌های تحدیث به ویژه در دوران صادقین (ع) به شمار می‌آمده است (برای آگاهی بیشتر نک: اعرابی، ۱۳۹۴ش و مسعودی، ۱۳۹۲ش، ۵۱-۴۹).

ثانیاً، در انتهای حدیث، حضرت عنوان را از فتوا دادن بدون علم بر حذر می‌دارد (وَاهْرَبِ مِنَ الْفَتْيَا هَرْبَكَ مِنَ الْأَسَدِ)؛ با توجه به این که وی شاگرد مالک بن انس بوده است، بعید نیست که این سفارش امام ناظر به پیشینه عنوان بصری، که احتمالاً اهل فتوا دادن نیز بوده است، باشد (غلامعلی، ۱۳۹۰ش، ۱۷۳).

با توجه به این دو نکته، محتمل است که عبارت «رَجُلٌ مَطْلُوبٌ» به جهت احتیاطی بوده که امام در برخورد با افراد مختلف داشته، تلاش می‌کردند هر سخنی را در هر جایی و به هر کسی منتقل نکنند، و از این روی، ترجمه آن به «تحت تعقیب یا نظر حکومت» صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

### ۳-۱-۲. توجه به سیاق عبارات

ممکن است استدلال شود که: با توجه به دو عبارت «فَلَا تَشْغَلْنِي عَنْ وَرْدِي» در ابتدای روایت پس از «رَجُلٌ مَطْلُوبٌ» و نیز عبارت «لَا تُفْسِدَ عَلَيَّ وَرْدِي، فَإِنِّي إِمْرَةٌ ضَنِينٌ بِنَفْسِي» در انتهای روایت (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ۳۲۸)، با در نظر گرفتن

۱. در کتب رجالی مواردی دیده می‌شود که بعضاً یک راوی به دو گونه کاملاً متضاد از او یاد می‌شود؛ از آن نمونه‌اند مفضل بن عمر و زراره بن اعین؛ برای نمونه، امام صادق (ع) به «عبد الله بن زراره بن اعین» می‌گوید: «به پدرت سلام برسان و به او بگو: اگر سخنی علیه تو می‌گویم بدان که برای دفاع از توست. مردم و دشمنان همواره تلاش می‌کنند افرادی را که در نزد ما جایگاه دارند و به ما نزدیکند، بیازارند. آنان این افراد را به خاطر دوستی ما به آنان، نکوهش می‌کنند و می‌کشند. در عوض، هر که را که ما نکوهش می‌کنیم و ردّ می‌نماییم ستایش می‌کنند. [بگو به پدرت:] اگر در ظاهر تو را نکوهش و ردّ می‌کنم به خاطر آن است که تو به ولایت ما شناخته شده‌ای و همه می‌دانند که طالب مایی؛ از این رو در نزد مردم مذموم و ناپسندی چون که ما را دوست داری و به جانب ما مایلی پس خواستم تو را در ظاهر ردّ و نکوهش کنم تا در نزد مردم محبوب باشی و بدین ترتیب به دینت آسیب نرسد و شرّ آنان از تو برداشته شود» (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۱۲۵).



این نکته که به یقین علت صدور این دو عبارت، اعمال عبادی و اذکاری است، که امام در هر ساعتی از شبانه‌روز به آن‌ها مداومت داشته و حضور عنوان مانع از انجام این اعمال بوده است؛ لذا امام به عنوان می‌فرماید که برخیزد و خلوت عبادی وی را به هم نزند؛ چراکه امام نسبت به وقت خویش ارزش قائل است. بنابراین این دو عبارت با آنچه در احتمال گروه اول (احتمال اول حسن امین) آمده نزدیک‌تر است و لذا ترجمه «إِنِّي رَجُلٌ مَطْلُوبٌ» به کسی که برای عبادات طلب شده، بهتر از دیگر ترجمه‌هاست.

در نقد این نکته باید گفت که، اگر در سیاق و چینش عبارات دقت کنیم، عبارت «إِنِّي رَجُلٌ مَطْلُوبٌ» توسط عبارت «وَمَعَ ذَلِكَ لِي أُورَادُ فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ أَنْاءِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ...» جدا شده و از یک وزن و سیاق برخوردار نیستند، تا آن هم به معنایی در باب ذکر و دعا و عبادت ترجمه شود؛ به عبارت دیگر، اگر قرار بود این عبارت به این شکل (من مردی مورد طلب خداوند برای دعا و عبادت هستم) معنا شود، دیگر لزومی به آوردن عبارت «وَمَعَ ذَلِكَ» برای انفصال آن با بخش بعدی نبود! و با همان حرف عطف «و» این معنا لحاظ می‌شد. ضمن آنکه وجود واژه مطلوب در کنار این عبارات نشان می‌دهد که امام فرای مسائل مربوط به اذکار و عبادات شخصی خویش و مراقبت بر نفس، نکته دیگری را مورد نظر داشته‌اند.

نقد دیگر در احتمال اول اینکه، اگر استدلال شود که یکی از دلایلی که حسن امین داشته، به جهت روایت مطلوب از امام سجاد (ع) است، که در بالا ذکر آن شد، اما، باید گفت که به نظر می‌رسد این ترجمه هرگز در معنای «رَجُلٌ مَطْلُوبٌ» راهی نداشته باشد! زیرا؛

اولاً: رابطه میان خالق و مخلوق در عبودیت رابطه از نوع «عبد و رب» است، نه «رجل و رب» و در هیچ کجا نمی‌یابیم که در مقام عبادت پروردگار، بنده با واژه «رجل» به معنای «مرد یا شخص» آمده باشد. مجموعه متون روایی بیان‌گر ارتباط منطقی الفاظ در بیان ارتباط بین خالق و مخلوق و وظایف عبد به عنوان عابد و ذاکر خداوند است؛ برای توضیح بیشتر، چند نمونه از روایات مؤید بحث از این قرارند: امام سجاد (ع) درباره توبه، در دعای سی و یکم،

با عباراتی همچون «عَبْدٌ تَابَ إِلَيْكَ» (علی بن حسین، ۱۳۷۶ش، ۱۴۲)، «عَبْدٌ ذَلِيلٌ وَعَبْدٌ فَاقِئِرٌ» (همان، ۱۴۴)، با خداوند متعال به راز و نیاز برمی خیزد و امام علی (ع) می فرماید: «فَاتَّقَى عَبْدٌ رَبَّهُ»: «بنده باید از پروردگارش بترسد و تقوای الهی پیشه کند» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۶۴). نیز، حضرت در مورد تقوای الهی بنده، سخنانی چند را به اباذر غفاری گوشزد می نماید و رابطه بین عبد و معبود را تصویرسازی می کند (همان، خطبه ۱۳۰). روایتی نیز از امام صادق (ع) در کتاب شریف کافی چنین نقل شده است: «أَنَا عَبْدُ رَبِّ الْعَالَمِينَ»: «من بنده پروردگار عالمین هستم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۸: ۳۰۶). و در حدیثی قدسی نیز خداوند بلندمرتبه چنین می فرماید: «عَبْدِي أَطْعَمَنِي»: «ای بنده من، از من اطاعت کن» (حرّعاملی، بی تا، ۲۸۴). ملاحظه می شود که در تمامی موارد فوق و موارد دیگر از این دست، رابطه بین خالق و بنده منطقی و متصور است، اما رابطه از نوع رابطه بین رجل و خالق تصویر نشده است! از این رو، می توان احتمال استدلال حسن امین را با استفاده از این عبارت دچار خدشه دانست. ثانیاً، حسن امین در روایت امام سجاد (ع) تنها به بخش اول روایت اعتنا نموده است، در حالی که ادامه روایت نشان می دهد که ایشان علاوه بر مطلوب بودن به انجام فرائض از جانب خداوند، در هفت خصلت دیگر نیز مورد طلب هفت چیز دیگر بوده اند: در سنت مطلوب رسول خدا (ص)، در قوّت مطلوب خانواده، در شهوت مطلوب نفس، در متابعت مطلوب شیطان، در درستی عمل مطلوب حافظان دین خدا، در روح مطلوب فرشته مرگ، در جسد مطلوب قبر<sup>۱</sup>. لذا روایت گویای آن است که مطلوب بودن تنها انجام فرائض دینی و عبادات نیست، بلکه در نگاه امام موارد گوناگونی در طول حیات به دنبال ایشانند و ایشان همواره «مورد طلب» هستند.

### ۲-۳. قراین برون متنی

علاوه بر بررسی متن حدیث و قرائن لفظی (سیاق و عبارات) و مقامی (سبب و

۱. أَصْبَحْتُ مَطْلُوباً بِئِمَانٍ: اللَّهُ (تعالی) يَطْلُبُنِي بِالْفَرَائِضِ، وَالنَّبِيِّ (ص) بِالسُّنَّةِ، وَالْعِيَالِ بِالْقَوْتِ، وَالنَّفْسِ بِالشَّهْوَةِ، وَالشَّيْطَانَ بِاتِّبَاعِهِ، وَالْحَافِظَانَ بِصِدْقِ الْعَمَلِ، وَمَلَكُ الْمَوْتِ بِالرَّوْحِ، وَالْقَبْرُ بِالْجَسَدِ، فَأَنَا بَيْنَ هَذِهِ الْخِصَالِ مَطْلُوبٌ (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۶۴۱).

فضای صدور حدیث) همراه با متن، برای دستیابی به معنای صحیح «رَجُلٌ مَطْلُوبٌ»، لازم است معنای آن در دیگر متون روایی و تاریخی واکاوی شود. به واقع یکی از شیوه‌های دستیابی به معنای سخن معصوم (ع)، کشف معنا از طریق استعمال در عصر صدور لفظ است؛ به عبارت دیگر، اگر بتوانیم معنای اصطلاحی «مطلوب» یا «رَجُلٌ مَطْلُوبٌ» را در قرون اولیه و دوره حضور ائمه (ع) استخراج کنیم و معنای واحدی بر آن بیابیم، خواهیم توانست درباره معنای آن در حدیث عنوان بصری و استخراج اشاره یا تعریض به کار برده شده نیز به دیدگاه مشترکی دست یابیم. در این بخش تمامی مصادیق استعمال مطلوب در قرون اولیه، در دو بخش مصادر شیعه و مصادر اهل سنت، مورد مطالعه قرار می‌گیرند. این مصادیق، که جمعاً یازده مصداق می‌باشند، اعم از موارد روایی و تاریخی می‌شوند:

### ۳-۲-۱. مصادیق مطلوب در مصادر شیعه

در مصادر روایی و تاریخی شیعه در مورد برخی از افراد از عبارت «رَجُلٌ مَطْلُوبٌ» یاد گردیده و همچنین از «مرگ» به کنایه این عبارت استفاده شده، که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

#### الف) کاربرد مطلوب درباره عبدالمطلب:

در خبری از زبان عبدالمطلب چنین آمده است: «من در شب ولادت پسر من محمد (ص)، در خانه کعبه مشغول اصلاح خانه کعبه بودم، همان‌که شب نیمه شد، ناگاه دیدم که خانه کعبه با چهار گوشه خود به طرف مقام ابراهیم (ع) متمایل شد و سجده کرد. همین که من این عمل را از خانه کعبه دیدم نمی‌دانستم چه بگویم. وقتی که خارج شدم ناگاه دیدم که از هر طرف مرا ندا می‌زنند: یا سید قریش ما لک کالخائف الوجیل؟ أمطلوب أنت؟ ای بزرگ قریش تو را چه شده که نظیر شخصی خائف و ترسان گردیدی؟ آیا تو مورد تعقیب قرار گرفتی؟»

سپس وقتی عبدالمطلب پس از تولد پیامبر خدا (ص) نزدیک حجره آمنه شد

و به آن جا داخل شد، می گوید: «فَقُلْتُ: أَنَا نَائِمٌ يَا أَمْنَةَ أُمَّ يَقْظَانَ؟»: قالت: بَلْ يَقْظَانٌ. مَا لَكَ كَالْخَائِفِ الْوَجَلِ؟ أَمْطَلُوبٌ أَنْتَ؟ قُلْتَ: لَا وَلَكِنِّي مِنْذُ لَيْلَتِي فِي كُلِّ ذَعْرٍ وَخَوْفٍ»: «گفتم: ای آمنه آیا من خوابم یا بیدار؟ گفت: بلکه بیداری، تو را چه شده که اینطور خائف و ترسانی آیا مورد تعقیب قرار گرفتی؟ گفتم: نه، ولی از دیشب تا بحال دچار ترس شده‌ام» (نک: مسعودی، ۱۴۲۶ق، ۱۱۳-۱۱۴؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ش، ۱: ۶۹-۷۰).

### ب) کاربرد مطلوب درباره حضرت علی (ع):

از علی (ع) چنین نقل است: «رُويَ أَنَّ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا - عَلَيْهِ السَّلَام - قِيلَ لَهُ: يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، إِنَّكَ رَجُلٌ مَطْلُوبٌ.... فَقَالَ أَنَا لَا أُفِرُّ عَنْ مَنْ كَرَّ وَلَا أُكْرَّ عَلَيَّ مِنْ فَرٍّ»: «به حضرت علی (ع) گفته شد: ای امیر مومنان! تو تحت تعقیبی و در پی تو هستند... حضرت در پاسخ به وی فرمود: من از کسی که از میدان جنگ عقب‌نشینی کرده و سپس حمله می‌کند فرار نمی‌کنم و بر کسی که فرار کند حمله نمی‌کنم» (ناطق بالحق، ۱۴۲۲ق، ۱۱۳؛ محمودی، ۱۴۲۲ق، ۹: ۵۹۰).

### ج) کاربرد مطلوب درباره امام حسین (ع):

چون امام حسین (ع) قصد بیرون رفتن از مکه کرد، ابن زبیر، ایشان را دید و گفت: «يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنَّكَ مَطْلُوبٌ، فَلَوْ مَكِّثْتَ بِمَكَّةَ، فَكُنْتَ كَأَحَدِ حَمَامٍ هَذَا الْبَيْتِ. وَاسْتَجَرْتَ بِحَرَمِ اللَّهِ لَكَانَ ذَلِكَ أَحْسَنَ لَكَ»: «ای ابا عبد الله! تو تحت تعقیب هستی و در پی تو هستند. اگر در مکه می‌ماندی و چون یکی از کبوتران این خانه، به حرم الهی پناه می‌بردی، برایت نیکوتر بود.» امام حسین (ع) نیز در پاسخ فرمود: «يَمْنَعُنِي مِنْ ذَلِكَ قَوْلُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ...»: «آنچه مرا از این کار، باز می‌دارد، گفته پیامبر خدا (ص) است...» (ابن حیون، ۱۴۰۹ق، ۳: ۱۴۳؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸ش، ۱۴: ۳۶۸).

### د) کاربرد مطلوب درباره سفیان ثوری (مورد اول):

در گزارشی چنین آمده که، هنگامی که سفیان ثوری خدمت امام صادق (ع) رسید، حضرت به وی فرمود: «أَنْتَ رَجُلٌ مَطْلُوبٌ وَ لِلْإِسْلَامِ عَلَيْنَا عِيُونَ فَأَخْرُجْ

عَنَّا غَيْرَ مَطْرُودٍ...»: «تو مورد تعقیب حکومت هستی، و پیرامون ما جاسوسان خلیفه هستید. تو را طرد نمی‌کنم، ولی از نزد ما برو...» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ۴: ۲۴۸).

#### ه) کاربرد مطلوب درباره سفیان ثوری (مورد دوم):

درباره سفیان ثوری همچنان نقل شده که: «...عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الدَّرَّازِوْدِيِّ، قَالَ: دَخَلَ سُفْيَانُ الثَّوْرِيَّ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) وَأَنَا عِنْدَهُ، فَقَالَ لَهُ جَعْفَرٌ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يَا سُفْيَانُ، إِنَّكَ رَجُلٌ مَطْلُوبٌ، وَأَنَا رَجُلٌ تُسْرِعُ [تَسْرِعُ] إِلَى الْأَلْسُنِ»: «امام صادق (ع) خطاب به سفیان ثوری فرمودند: ای سفیان، تو مورد تعقیب حکومت هستی و من نیز مردی هستم که اخبار مربوط به من، زود به گوش حاکمان می‌رسد» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۴۷۹؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ۱۲: ۳۶۲؛ نیز مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۵: ۱۹۷).

#### و) کاربرد مطلوب درباره ربیع بن خثیم:

نقل است که: «به ربیع بن خثیم گفته شد: مَا لَكَ مَحْزُونٌ؟ قَالَ لِأَنِّي مَطْلُوبٌ»: «چه شده است تو را که محزون هستی؟ گفت: برای آنکه پیوسته من تحت نظر و مورد بازخواست هستم» (جعفر بن محمد، ۱۴۰۰ق، ۱۸۷).

#### ز) کاربرد مطلوب درباره رشید هجری:

درباره تحت تعقیب بودن رشید هجری چنین گفته شده که: «در ایامی که زیادبن ایبه در طلب رشید هجری بود، رشید خود را پنهان کرده و مخفی می‌زیست، روزی ابوارا که که یکی از بزرگان شیعه است با جماعتی از اصحابش بر در خانه خود نشسته بود، دید که رشید پیدا شد و داخل منزل او شد، ابوارا که از این کار رشید ترسید برخاست و به او گفت: وای بر تو ای رشید! از این کار مرا به کشتن درآوردی و بچه‌های مرا یتیم نمودی. رشید گفت: مگر چه شده است؟ ابوارا که گفت: أَنْتَ مَطْلُوبٌ وَجِئْتَ حَتَّى دَخَلْتَ دَارِي وَقَدْ رَأَكَ مَنْ كَانَ عِنْدِي: تو تحت تعقیب (زیادبن ایبه) هستی و وی در طلب تو است و

تو در منزل من آشکارا داخل شدی و اشخاصی که نزد من بودند تو را دیدند (مفید، ۱۴۱۳ق، ۷۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۴۲: ۱۴۰).

ح) کاربرد مطلوب درباره عبدالله بن موسی از نوادگان امام حسن مجتبی (ع):  
در کتاب مقاتل الطالیین درباره یکی از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) چنین آمده است: «وَأَمَّا عَبْدُ اللَّهِ بْنِ مُوسَى فَكَانَ مَطْلُوبًا خَائِفًا لَا يَلْقَاهُ أَحَدٌ»: «عبدالله بن موسی خائف و ترسان و تحت تعقیب بود و احدی او را ملاقات نمی کرد» (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۹ق، ۴۲۵).

#### ط) کاربرد مطلوب درباره مرگ از زبان نهج البلاغه:

امیرالمومنین علی (ع) در یکی از خطب گهربار خود، پس از بیان اهمیّت تقوا و پرهیزکاری، ذیل بیان یاد مرگ و لزوم بهره گیری از فرصت ها پیش از فرارسیدن اجل (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ش، ۸: ۴۸۸)، انسان را از ضرورت یاد مرگ آگاه می کند. در اینجا داریم: «فَإِنَّ الْمَوْتَ... وَاتِرٌ غَيْرٌ مَطْلُوبٍ» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۳۵۱). مترجمان در ترجمه این عبارت آورده اند:

۱. «کشنده ای (کینه توزی) است که نتوان جستجویش کرد» (جعفری تبریزی، ۱۳۸۰ش، ۷۷۱).
۲. «جنایتکاری است غیرقابل تعقیب» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ش، ۸: ۴۸۸).
۳. «کینه جویی است که بازخواست نمی شود» (فیض الاسلام، ۱۳۶۸ش، ۴: ۷۲۵).
۴. «کینه خواهی است که پی او را نگیرند» (شهیدی، بی تا، ۲۶۳).
۵. «کینه توزی است که بازخواست نمی شود (مغنیه، ۱۳۸۷ش، ۴: ۵۲۹)؛ و در شرح آن: «تعقیب کننده ای تعقیب ناشدنی است» (همان، ۵۳۲).
۶. «کینه جویی است که بازخواست نمی شود» (انصاری، بی تا، ۲: ۶۴۹).
۷. «کینه توزی است که بازخواست نمی شود» (دشتی، ۱۳۷۹ش، ۴۶۷).

همان طور که آشکار است مترجمان نهج البلاغه، مطلوب را در یک معنا و مفهوم واحد ترجمه نموده اند: تحت تعقیب. بدیهی است شخصی که تحت نظر و تعقیب است، بازخواست می شود و لذا امیر مومنان (ع) مرگ را به غیرمطلوب توصیف

می‌کند؛ یعنی: مرگ غیرقابل تعقیب است و چون اینگونه است، لذا بازخواست نیز نمی‌شود. افزون بر این، در تمامی مصادیق ذکر شده از کتب گوناگون شیعی، معنایی به جز «تحت نظر و تعقیب» برداشت نمی‌شود.

### ۳-۲-۲. مصادیق مطلوب در مصادر اهل سنت

#### الف) کاربرد مطلوب دربارهٔ مسلم بن عقیل (ع):

ابواسحاق اسفراینی در کتاب نورالعین ماجرای مسلم بن عقیل در کوفه را نقل می‌کند. بخشی از این ماجرا این‌گونه است: «هنگامی که مسلم بن عقیل به خانهٔ پیرزن کوفی پناه برد به او این چنین گفت: اِنَّمَا أَنَا رَجُلٌ مَطْلُوبٌ وَأُرِيدُ مَنْ يَجِزُنِي بَقِيَّةَ يَوْمِي هَذَا: من تحت تعقیب و زیر نظر دستگاه حکومتی هستم و می‌خواهم که مرا در خانه خویش پناه دهی. سپس پیرزن کوفی از نسب مسلم بن عقیل پرسید و در آن جا بود که مسلم بن عقیل خود را معرفی نمود: فَقَالَ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ أَنَا مُسْلِمُ بْنُ عَقِيلٍ» (اسفراینی، بی تا، ۲۷).

#### ب) کاربرد مطلوب دربارهٔ ابراهیم بن عبدالله:

در نقلی از طبری چنین آمده است که حسن بن حبیب گفت: «ابراهیم به نزد من نهان بود و محمد بن حصین در جستجوی ابراهیم بود. روزی محمد بن حصین به من گفت: قصد دارم فردا او را در شهر بجویم. حسن بن حبیب می‌گوید به نزد ابراهیم رفتم و به وی گفتم: أَنْتَ مَطْلُوبٌ غَدًا فِي هَذِهِ النَّاحِيَةِ: ای ابراهیم فردا در این ناحیه تحت تعقیب هستی» (نک: طبری، بی تا، ۷: ۶۲۶-۶۲۷).

#### ج) کاربرد مطلوب دربارهٔ بشر بن حارث:

در نسخه‌ای در مورد بشر بن حارث چنین آمده است: «قَالَ رَجُلٌ لِبَشْرِ بْنِ الْحَارِثِ: أَرَأَيْكَ مَهْمُومًا؟ قَالَ: إِنَّنِي مَطْلُوبٌ» (ابن ابی الدنیا، ۱۴۱۲ق، ۹۶). در نسخه‌ای دیگر چنین آمده است: «قَالَ رَجُلٌ لِبَشْرِ مَا لِي أَرَأَيْكَ مَهْمُومًا؟ قَالَ: مَا لِي لَا أَكُونُ مَهْمُومًا وَأَنَا رَجُلٌ مَطْلُوبٌ؟: شخصی نزد بشر بن حارث

آمد و به وی گفت: تو را اندوهگین و غمگین می‌بینم؟ بشر بن حارث در جواب وی گفت: چگونه اندوهگین نباشم در حالی که تحت تعقیبیم؟» (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ۱۰: ۲۰۹؛ ابن جوزی، ۱۴۲۱ق، ۱: ۴۷۵؛ ابن اثیر، ۱۴۲۴ق، ۱: ۴۶۰؛ و نیز نک: شعرانی، بی‌تا، ۶۱).

و در نسخه ای دیگر چنین نقل شده است: «وَ كَانَ بَشْرُ بْنُ الْحَارِثِ لَا يَنَامُ إِلَّا أَنْ يُغْلَبَ، فَقِيلَ لَهُ: مَا لَكَ لَا تَنَامُ؟ فَقَالَ: أَنَا رَجُلٌ مَطْلُوبٌ.» (بشر بن حارث نخواهید مگر آن که خواب بر او چیره شد. به او گفته شد چرا نمی‌خوابی؟ گفت: من تحت تعقیبیم) (یافعی، بی‌تا، ۱۲۵؛ درینی، بی‌تا، ۲۰۰).

نتیجه آنکه، تمامی مصادیق کشف شده از مصادر شیعه و سنی حاکی از این هستند که واژه «مطلوب» در سده‌های نخست هجری و در دوره حضور، همگی بر معنای «تحت تعقیب» و «تحت نظر» دلالت می‌کنند؛ بنابراین همان‌گونه که در بخش پیشین، از قرائن درون‌متنی به دست آمد، در این بخش نیز نتیجه حاصله مشابه خواهد بود و می‌توان گفت که معنای عبارت مورد اشاره در «رَجُلٌ مَطْلُوبٌ» به معنای «تحت نظر یا تعقیب دستگاه حکومتی» است.

#### ۴. رابطه همنشینی

یکی از روش‌های فهم متن، روش سمانتیک (Semantics) یا معناشناسی است، که از ظهور آن به عنوان یک علم، کمتر از نیم‌قرن می‌گذرد. از مهم‌ترین روش‌های معناشناسی، معناشناسی توصیفی یا هم‌زمانی است نک: (پالمر، ۱۳۸۱ش، ۱۴؛ احمد مختار، ۱۳۷۵ش، ۲۰-۱۹؛ صفوی، ۱۳۷۹ش، ۲۱۲). از نظر سوسور<sup>۱</sup> در معناشناسی توصیفی سه کار انجام می‌شود: نخست اینکه اگر قصد داریم واژه‌ای را در یک متن بررسی کنیم، باید بر اساس همان متن، مفاهیم «جانشین» آن واژه را استخراج کنیم. دوم استخراج مفاهیم «همنشین» است و آخرین کار، استخراج واژه‌های «متقابل» است. سوسور انواع رابطه‌های ساختاری را بر دو نوع تقسیم کرده است و آن دو را رابطه همنشینی و رابطه جانشینی اصطلاح کرده است. رابطه همنشینی پیوندی است که میان واژگان ۱. فردینان دو سوسور (۱۹۱۳-۱۸۵۷م)، زبان‌شناس سوئسی که پدر زبان‌شناسی نوین شناخته می‌شود.



مختلف در یک زنجیره گفتاری مشاهده می‌شود؛ برای نمونه در جمله «من به خانه دوستم رفتم»، «من»، «خانه»، «دوست» و «رفتم»، چهار جزء زنجیره‌ای گفتاری را تشکیل می‌دهند (نک: فکوهی، ۱۳۸۶ش، ۱۸۶). به عبارت دیگر، برای اینکه واژگان یا نشانه‌های زبانی بتوانند پیامی را برسانند، باید طبق روال خاصی بر روی یک محور افقی در کنار هم بنشینند. حال اگر واحدهای یک جمله را بررسی کنیم، درمی‌یابیم که هر یک از آنها از یک مقوله دستوری و مکمل یکدیگر هستند و اگر یکی از واحدهای هم‌نشین تغییر یابد یا حذف شود، در مفهوم پیام نیز خلل ایجاد می‌شود. این محور را «محور هم‌نشینی» می‌گویند و رابطه واحدهایی را که بر روی این محور و در کنار هم می‌نشینند، «رابطه هم‌نشینی» می‌نامند (نک: صفوی، ۱۳۷۹ش، ۲۷-۲۸). رابطه هم‌نشینی واژگان از منظر زبان‌شناسان، پایه و اساس زبان را تشکیل می‌دهد (ساسانی و آزادی، ۱۳۹۱ش، ۶۷). در مقابل، رابطه جان‌نشینی به ارتباط اجزائی گفته می‌شود که لزوماً حضور فیزیکی در یک زنجیره گفتاری ندارند، بلکه در زنجیره‌ای حافظه‌ای درک می‌شوند و در ورای گفته‌ها و جملات حضور دارند (نک: فکوهی، ۱۳۸۶ش، ۱۸۷).

یکی از کاربردهای مهم رابطه هم‌نشینی در قرینه‌هاست؛ به طوری که در قرینه معینه<sup>۱</sup>، استفاده از این رابطه موجب می‌شود تا از میان معانی محتمل یک واژه تنها یک معنا فهمیده یا حداقل، دایره احتمالات آن محدود شود (مسعودی، ۱۳۹۵ش، ۱۱۱). در این بخش با در نظر گرفتن روش معناشناسی واژه «مطلوب» با تأکید بر روابط هم‌نشینی، تلاش می‌شود به درک درستی از معنای مطلوب دست یافته شود.<sup>۲</sup> بدین منظور، از مجموعه متون متقدم و متأخر روایی، تفسیری، ۱. قرینه به دو گونه صارفه و معینه تقسیم می‌شود. صارفه موجب تغییر فهم ما از معنای اصلی کلمه و مفهوم حقیقی جمله می‌گردد و آن را به معنای مورد نظر گوینده انصراف می‌دهد؛ برای نمونه، افزودن «بیشه‌های نبرد» یا «عرصه پیکار» به کلمه شیر به ما می‌فهماند که منظور از شیر، انسان دلاور و شجاع است، و نه شیر درنده. معینه، بیشتر در فهم واژه‌های چندمعنایی مؤثر است؛ برای نمونه، اگر پدری به فرزندش بگوید: «امروز صبح یک لیتر شیر بخر»، کلمات هم‌نشین (قرینه معینه) در این جمله مقصود پدر را از کلمه شیر به خوبی می‌رساند (نک: مسعودی، ۱۳۹۵ش، ۱۱۱-۱۱۲).

۲. به منظور دیدن نمونه‌هایی از کاربرد روابط هم‌نشینی و جان‌نشینی در قرآن کریم و روایات، نک: مقالات «معناشناسی کلمه در قرآن کریم با تأکید بر روابط هم‌نشینی و جان‌نشینی»،

ادبی و تاریخی، سه واژه «خائف»، «سارق» و «مُطارد» را در کنار مطلوب هم‌نشین می‌یابیم و استدلال خواهد شد که همه موارد مذکور «تحت نظر و تعقیب بودن» را به عنوان معنای «مطلوب» در نظر می‌گیرند.

#### ۴-۱. همنشینی مطلوب و خائف

الف) سید مرتضی در پاسخ به سؤالی پیرامون آیه ۲۰ سوره هود، در بخشی از پاسخ خود می‌گوید: «لا مهربٌ لک منی، ولا وزرٌ، ولا نفقٌ، وکلّ ذلك مما يلجأ إليه الخائفُ المطلوبُ»: «محل فراری برای توازن نیست؛ نه پناهگاه و نه راهرو زیرزمینی یا تونلی و هر آن چیزی که پناه برد به آن هر ترسان تحت تعقیبی» (علم الهدی، ۱۹۹۸ م، ۱: ۵۵۰).

ب) شعر «كَأَنَّ بِلَادَ اللَّهِ وَهِيَ عَرِيضَةٌ \* عَلَيَّ الْخَائِفِ الْمَطْلُوبِ كَفَةَ حَابِلٌ»: «گویی زمین خدا با این وسعتش برای انسان ترسان و تحت تعقیب، همانند دام شکارچی است». این شعر در قرن سوم در تفسیر غریب القرآن (ابن قتیبه، ۱۴۱۱ق، ۹۹) و الحیوان (جاحظ، ۱۴۲۴ق، ۵: ۱۳۲؛ ۶: ۵۴۹)، در قرن پنجم در الکشف و البیان (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ۳: ۱۴۹)، با اندکی اختلاف در النکت و العیون (ماوردی، بی‌تا، ۵: ۴۸۱) و محاضرات الأدباء (راغب اصفهانی، ۱۴۲۰ق، ۲: ۲۰۷)، در قرن ششم در زاد المسیر (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ۱: ۳۲۵) و روض الجنان و روح الجنان (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ۵: ۶۷)، در قرن هفتم در الجامع لأحكام القرآن (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ۴: ۲۰۵؛ ۸: ۱۰۰؛ ۱۷: ۲۵۶)، همچنین در قرن دوازدهم در تفسیر روح البیان (حقی برسوی، بی‌تا، ۳: ۴۰۶) و در قرن سیزدهم در روح المعانی (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۶: ۴۰) آمده است. همچنین در کتب لغت لسان العرب و تاج العروس با کمی تفاوت به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۹: ۳۰۴؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۱۲: ۴۶۲).

استعمال شعر فوق در بسیاری از کتب متقدم و متأخر، نشان‌گر شهرت آن در میان عرب زبانان بوده است.

ج) در شعر زیر نیز همنشینی خائف و مطلوب به معنای شخص ترسان و تحت تعقیب می‌باشد:

«تحلیل مؤلفه‌های معنایی حق در قرآن کریم با بهره‌گیری از شیوه همنشینی و جانشینی»، «معناشناسی واژه کتاب در قرآن بر پایه روابط همنشینی» و «معناشناسی واژه احسان در قرآن».

«إِنَّ حُبَّ الصَّادِقِ فِي مَوْقِفِ الْحَشْرِ \* أَمَانٌ لِلْخَائِفِ الْمَطْلُوبِ»: «همانا محبت دوست در هنگام حشر، امانی است برای ترسانان تحت تعقیب» (ابن جوزی، بی تا، ۱۵: ۱۵۶؛ ابن کثیر، بی تا، ۱۲: ۱۹).

#### ۲-۴. همنشینی مطلوب و سارق

در بیت دوم این شعر نیز مطلوب به معنای تحت تعقیب به کار رفته است: «فَأَنَّكَ مَاخُودٌ بِمَا قَدْ جَنَيْتَهُ \* وَإِنَّكَ مَطْلُوبٌ بِمَا أَنْتَ سَارِقٌ»: «..... تو بخاطر آنچه که سرقت نموده‌ای تحت تعقیب هستی» (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ۳: ۲۹۹؛ ۹: ۳۲۹؛ کفعمی، ۱۳۷۶ش، ۶۷)

#### ۳-۴. همنشینی مطلوب و مطارد

در مقدمه تحقیق کتاب العُدَّة فی اصول الفقه، درباره حیات شیخ طوسی به تفصیل، مطالبی درخور، بیان شده است. در بخشی که مربوط به هجرت وی از بغداد به نجف می‌باشد، چنین آمده، که وی تحت تعقیب بوده و به همین دلیل از فتنه‌ها و آشوب‌ها دوری جست و به نجف پناه برد و در آنجا حوزة نجف را بنیان نهاد: «مَطْلُوبًا مُطَارِدًا وَ مُتَبَعِدًا عَنِ الْفِتَنِ وَ الْاضْطِرَابَاتِ التِّي تَجَدَّدَتْ هُنَاكَ» (نک: طوسی؛ مقدمه التحقيق، ۱۴۱۷ق، ۱: ۴۰).

مشاهده می‌شود که در موارد فوق نیز همانطور که ترکیب دو واژه رجل و مطلوب در اصطلاحات روایی به معنای «تحت نظر و تعقیب» استعمال شده است، همنشینی مطلوب با واژه‌های خائف و سارق و مطارد نیز چنین مفهومی به بار می‌آورد.

#### ۵. نتیجه‌گیری

۱. از مجموعه سه احتمال معنایی در تعریض «رَجُلٌ مَطْلُوبٌ» (طلب شده از جانب خداوند برای انجام اعمال و عبادت، محل مراجعه مردم و گرفتار بودن، تحت تعقیب و تحت نظر حکومت بودن)، که توسط علما و محققان متأخر و معاصر مطرح شده‌اند، احتمال سوم با استناد به دلایل متعدد پذیرفتنی است و دیگر احتمالات رد می‌شوند:

۲. از نظر قرائن درون‌متنی، با توجه به فضا و سبب صدور حدیث و سیاق عبارات، اثبات می‌شود که معنای متصور برای این تعریض، به احتمال بسیار همان احتمال گروه سوم است و دیگر احتمالات راهی به معنا ندارند.
۲. از نظر قرائن برون‌متنی، این عبارت در دیگر متون روایی، تفسیری، تاریخی و ادبی متقدم و متأخر شیعه و سنی نیز به صورت‌های گوناگونی همچون، رجلٌ مطلوب، اِنَّکَ مطلوب، اَنْتَ مطلوب و مطلوب به کار برده شده است، که همگی بر معنای گروه سوم دلالت دارند.
۳. همچنین با استفاده از رابطهٔ همنشینی در شیوهٔ معناشناسی واژگان، مطلوب با واژه‌های خائف، سارق و مطارد همنشین بوده است، که نشان از هم‌خوانی معنا با احتمال گروه سوم دارد.
۴. در باب مصادیق به کاربرد شده، کاربرد آن به ویژه در عصر حضور، تنها به معنای «تحت مراقبت، نظر یا تعقیب بودن دستگاه حکومتی» بوده است و استعمال آن دربارهٔ سه تن از امامان (علی، حسین و صادق (ع))، شاهدی بر این مدعاست.
۵. افزون بر این، استدلال به روایت «مطلوب» از امام سجاد (ع) برای مطابقت معنای «رجل مطلوب» با ترجمهٔ گروه اول، به دلیل عدم توجه به ادامه روایت امام سجاد (ع) و نیز در نظر نگرفتن سیاق عبارات در روایت عنوان بصری، پذیرفته نیست.

## منابع

- آلوسی، محمودبن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
- ابن ابی الدنيا، عبدالله بن محمد، الهم و الحزن لابن ابی الدنيا، القاهرة، دارالسلام، ۱۴۱۲ق.
- ابن اثیر، مبارک‌بن محمد، المختار من مناقب الأخیار، تحقیق: محمدادیب جادر، العین، مرکز زاید للتراث و التاريخ، ۱۴۲۴ق.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، تحقیق: نعیم زرزور، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی‌تا.
- ، صفة الصّفوة، القاهرة، دارالحديث، ۱۴۲۱ق.
- ، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق: عبدالرزاق مهدی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۲۲ق.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، تحقیق: محمدحسین حسینی جلالی، قم، جامعهٔ مدرسین، ۱۴۰۹ق.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمدبن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.
- ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.

- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، تفسیر غریب القرآن، بیروت، دارومکتبه الهلال، ۱۴۱۱ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية و النهایة، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق: جمال الدین میردامادی، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر، ۱۴۱۴ق.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۹ق.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمد مهدی ناصح و محمدجعفر یاحقی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
- احمد مختار، عمر، معنانشاسی، ترجمه: حسین سیدی، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۵ش.
- اسفرائینی، ابراهیم بن محمد، نورالعین، تونس، مطبعة المنار، بی تا.
- اعرابی، غلامحسین، «تقیه از نگاه مفسران و فقیهان فریقین»، شیعه شناسی، سال سیزدهم، تابستان ۱۳۹۴، ش ۵۰، ۲۷۵-۲۷۸.
- امین، سید محسن، أعیان الشیعة، تحقیق: حسن امین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
- انصاری، محمد علی، ترجمه نهج البلاغة، تهران، انتشارات علمی، بی تا.
- ایزدپناه، عباس، «اثبات صدور حدیث از طریق مضمون شناسی و متن»، علوم حدیث، تابستان ۱۳۷۶، ش ۴، ۷-۲۹.
- باقری، حمید و معارف، مجید، «کارکردهای نقد متنی احادیث نزد محدثان متقدم امامی»، پژوهش های قرآن و حدیث، سال ۴۵، ش ۱، بهار ۱۳۹۱، ۳۹-۷۰.
- بستانی، قاسم، معیارهای شناخت احادیث جعلی، اهواز، ریش، ۱۳۸۶ش.
- پالمر، فرانک، نگاهی تازه به معنانشاسی، ترجمه: صفوی، کورش، تهران، مرکز نشر، نوبت سوم، ۱۳۸۱ش.
- ثعلبی، احمد بن محمد، الكشف و البیان، تحقیق: ابی محمد ابن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- جاحظ، عمرو بن بحر، الحیوان، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.
- جعفر بن محمد، امام ششم (ع)، مصباح الشریعة، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ق.
- جعفری تبریزی، محمد تقی، ترجمه نهج البلاغة، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیة فی الأحادیث القدسیة، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
- \_\_\_\_\_، وسائل الشیعة، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
- حسینی طهرانی، محمد حسین، روح مجرد، مشهد، علامه طباطبائی، ۱۴۲۷ق.
- حسینی طهرانی، محمد محسن، حدیث عنوان بصری، تهران، مکتب وحی، ۱۳۹۱ش.
- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، تفسیر روح البیان، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- درینی، عبدالعزیز، طهارة القلوب و الخضوع لعلام الغیوب، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی تا.
- دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغة، قم، مشهور، ۱۳۷۹ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الأدباء و محاورات الشعراء و البلغاء، تحقیق: فاروق، عمر، بیروت، شركة دارالارقم، ۱۴۲۰ق.
- زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: علی هلالی و علی سیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- ساسانی، فرهاد و آزادی، پرویز، «تحلیل مؤلفه های معنایی حق در قرآن کریم با بهره گیری از شیوه همنشینی و جانشینی»، فصلنامه پژوهش های زبان و ادبیات تطبیقی، سال سوم، بهار ۱۳۹۱، ش ۱، ۶۷-۸۴.
- سیدرضی، محمد بن حسن، نهج البلاغة، تحقیق: صبحی صالح، قم، دارالهجرة، ۱۴۱۴ق.
- شعرانی، عبدالوهاب بن احمد، تنبیه المغتربین، تحقیق: توفیق علی وهبه و احمد عبدالرحیم سلیح، قاهرة، مکتبة الثقافة الدینیة، بی تا.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، منیة المرید، تحقیق: مختاری، رضا، قم، مکتب الاعلام الإسلامی، ۱۴۰۹ق.

- شهیدی، جعفر، ترجمه نهج البلاغة، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، بی تا.
- صدوق، محمدبن علی، معانی الأخبار، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق، صفار، محمدبن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، تحقیق: کوچه باغی، محسن عباسعلی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، نوبت دوم، ۱۴۰۴ق.
- صفوی، کورش، درآمدی بر معناشناسی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.
- طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ق.
- طبری، محمدبن جریر، تاریخ الطبری: تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، بی تا.
- طوسی، محمدبن حسن، العدة فی اصول الفقه، تحقیق: محمدرضا انصاری، قم، علاقبندیان، ۱۴۱۷ق.
- \_\_\_\_\_، تهذیب الأحکام، تحقیق: خرسان، حسن الموسوی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، نوبت چهارم، ۱۴۰۷ق.
- \_\_\_\_\_، الأمالی، تحقیق: موسسه البعثة، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
- \_\_\_\_\_، اختیار معرفة الرجال، تحقیق: حسن مصطفوی، دانشگاه مشهد، ۱۳۹۰ق.
- عطاردی قوچانی، عزیز الله، ترجمه مشکاة الأنوار، تهران، عطارد، بی تا.
- علم الهدی، علی بن حسین، أمالی المرتضی، تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم، قاهرة، دارالفکر العربی، ۱۹۹۸م.
- علی بن الحسین (ع)، الصحیفة السجادية، قم، الهادی، ۱۳۷۶ش.
- غلامعلی، مهدی، حدیث خوانی روشمند؛ درسنامه قرائت و درک متون حدیثی، قم، جمال، ۱۳۹۰ش.
- فناں نیشابوری، محمدبن احمد، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، قم، انتشارات رضی، ۱۳۷۵ش.
- فتح اللهی، ابراهیم، «روش شناسی نقد حدیث»، روش های مطالعات دینی، دوره ۲، ش ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ۴۶-۵۶.
- فکوهی، ناصر، تاریخ اندیشه و نظریه های انسان شناسی، تهران: نی، ۱۳۸۶.
- فیض الاسلام، علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغة، تهران، فیض الإسلام، ۱۳۶۸ش.
- قرطبی، محمدبن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
- کفعمی، ابراهیم بن علی، محاسبة النفس للكفعمی، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۶ش.
- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- ماوردی، علی بن محمد، النکت و العیون تفسیر الماوردی، مراجعه و تعلیق: عبدالرحیم، سیدبن عبدالمقصود، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- محمدی ری شهری، محمد، علم و حکمت در قرآن و حدیث، ترجمه: عبدالهادی مسعودی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۲ش.
- \_\_\_\_\_، ترجمه میزان الحکمة، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۹ش.
- \_\_\_\_\_، دانشنامه امام حسین بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۸ش.
- محمودی، محمدباقر، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة، تحقیق: عزیز آل طالب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۴۲۲ق.
- مستفید، حمیدرضا و دولتلی، کریم، تقسیمات قرآنی و سور مکی و مدنی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۴ش.
- مسعودی، عبدالهادی، آسیب شناسی حدیث، تهران، سمت، ۱۳۹۲ش.
- \_\_\_\_\_، وضع و نقد حدیث، تهران، سمت، نوبت چهارم، ۱۳۹۴ش.
- \_\_\_\_\_، روش فهم حدیث، تهران، سمت، نوبت دهم، ۱۳۹۵ش.
- مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة، قم، انصاریان، ۱۴۲۶ق.

مطهری، مرتضی، داستان راستان، تهران، صدرا، نوبت ۶۶، ۱۳۹۱ش.  
 مغنیه، محمدجواد، در سایه سار نهج البلاغه، تحقیق: سامی غریزی، ترجمه: جمعی از مترجمان، قم، دارالکتاب اسلامی، ۱۳۸۷ش.  
 مفید، محمدبن محمد، الإختصاص، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرندی، قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.  
 مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمومنین علیه السلام، قم، مدرسة الإمام علی بن أبی طالب، ۱۳۸۶ش.  
 \_\_\_\_\_، گفتار معصومین، تدوین: محمد عبدالله زاده، قم، مدرسة الإمام علی ابن أبی طالب، ۱۳۸۸ش.  
 نابلسی، عقیف، طریق العروج إلى الملكوت: شرح رواية عنوان بصری، مترجمان: رضا عرب بافرانی و علی سالمی، قم، نشر معارف، ۱۳۹۴ش.  
 ناطق بالحق، یحیی بن حسین، تیسیر المطالب فی أمالی أبی طالب، تحقیق: عبدالله بن حمود عزی، صنعاً، مؤسسة الامام زیدبن علی الثقافية، ۱۴۲۲ق.  
 نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسة آل البيت، ۱۴۰۸ق.  
 هاشمی خویی، میرزاحبیب الله، منهج البراعة فی شرح نهج البلاغه، تحقیق: ابراهیم میانجی، تهران، مكتبة الإسلامية، ۱۴۰۰ق.  
 یافعی، عبدالله بن اسعد، الإرشاد و التطریز فی فضل ذکر الله و تلاوة كتابه العزيز و فضل الأولیاء و الناسکین و الفقراء و للسالكین، تحقیق: محمدادیب جادر، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی تا.

